

دو فصلنامه پژوهشنامه آینده

سال اول، شماره‌ی اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ صص ۴۲-۳۱

ساخت واقعیت اخلاقی آینده

در پرتو عملکرد گروه‌های فرازمانی چهارده معصوم علیهم‌السلام

علی اصغر پورعزت*

میثم علی‌پور

چکیده

آنچنان‌که از رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است، ایشان مبعوث شده‌اند تا مکارم اخلاق را به کمال برسانند. این مبعوث‌شدگی، به غدیر خم رسید و تا غیبت کبری استمرار یافت؛ به طوری که وجود، گفتار و کردار چهارده معصوم علیهم‌السلام، در امتداد این تلاش تکامل‌یاب برای ساخت واقعیت اخلاقی، بیشترین آثار اخلاقی را در جهت تکامل اخلاق در جامعه بشری، بر جای گذارد.

البته در روایت است که این اهتمام با ظهور منجی به کمال می‌رسد، ولی هر لحظه تلاش برای آفرینش این واقعیت، در رویکردی تکاملی، مقوم و مؤید آن ظهور مبارک تلقی می‌شود. در این نگاه، واقعیت اخلاقی حاصل مراودات روزمره‌ای است که به تأیید معصوم، معطوف به کمال مکارم اخلاقی، هدایت می‌شود و به طور مستمر، همه آحاد جامعه در قالب یک گروه فرازمانی، در آن مشارکت دارند.

واژگان کلیدی: ساخت واقعیت اخلاقی، گفتمان اخلاقی، عمل اخلاقی، اخلاق به مثابه هدف و روش و منش زندگی، گروه‌های کار فرازمانی.

* استاد دانشگاه تهران

دانشجوی دکترای مدیریت دولتی گرایش خط‌مشی عمومی دانشگاه تهران
تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۶/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۹/۱۶
پست الکترونیکی نویسنده: pourezzat@ut.ac.ir

مقدمه

تأمل در تاریخ، بیانگر این واقعیت است که در هر عصر و دوره، بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی، تصاویر متفاوتی از حقایق ارائه می‌شوند؛ به طوری که شناخت مصادیق و جلوه‌های گوناگون یک حقیقت در دوره‌های گوناگون، مستلزم گذر از تکثر مصادقی به نوعی تصویر پایدار است که جلوه‌ای از وحدت حقیقی آن را آشکار می‌سازد. بر این اساس، فهم حقیقت واحد «سیره چهارده معصوم علیهم‌السلام»، علی‌رغم تفاوت در شیوه‌های گوناگون ظهور و بروز آن بر اساس شرایط هر عصر، امکان‌پذیر می‌گردد. این واقعیت در روایت معروفی از امام صادق علیه‌السلام چنین بیان شده است:

أَوْلُنَا مُحَمَّدًا أَوْ سَطْنًا مُحَمَّدًا آخِرُنَا مُحَمَّدًا^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۵: ۳۶۳).

بر این اساس، سیره اهل بیت علیهم‌السلام، بازتاباننده سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و مفسر آن است؛ همان‌طور که مفسر قرآن است. حقیقت آن است که قرآن همان سیره نبوی است و سیره نبوی در واقع مفسر و مبین قرآن است. قرآن کریم بزرگترین کتابی است که همه خطوط اصلی و فرعی سیره نبوی را ترسیم کرده است. سیره پیامبر اکرم نیز مفسر نظری و عملی قرآن است (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۲: ۲۰). پس بهترین روش درک سیره چهارده معصوم علیهم‌السلام، مراجعه به قرآن و تدبر در آن است.

در همین امتداد، واضح‌ترین پیام رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در وصف هدف از بعثت خود، به کمال رساندن مکارم اخلاقی است. فهم کمال مکارم اخلاقی نیز در پرتو تدبر در قرآن و رصد آن در گستره سیره پر فراز و نشیب چهارده معصوم علیهم‌السلام میسر می‌گردد.

در این پژوهش برای رصد سیره چهارده معصوم علیهم‌السلام، از عبارت «گروه‌های کار فرازمانی» و استعاره «دوی امدادی» بهره گرفته شده است. بر این اساس، به کمال رساندن مکارم اخلاقی، وظیفه‌ای است که اجرای آن به فعالیت گروه‌های متعدد در نسل‌های متوالی نیاز دارد. از سویی، این گروه‌ها باید تحت رهبری یک حقیقت واحد باشند؛ حقیقتی الهی به نام «محمد» صلی‌الله‌علیه‌وآله! توالی این گروه‌های کار فرازمانی، همه مقاطع زمانی گذشته و حال را در بر گرفته و در نهایت، واقعیت اخلاقی آینده را می‌سازد. بر این اساس، سؤال اساسی این تحقیق عبارت است از: عملکرد گروه‌های کار فرازمانی چهارده معصوم علیهم‌السلام، چه تأثیری بر واقعیت اخلاقی آینده دارد؟

در این پژوهش برای پاسخگویی به این سؤال مهم، از روش تفسیر سوره‌شناختی آیات استفاده شده است. بر اساس این روش، تدبر در هر آیه از قرآن کریم در سطح اول، در پرتو فهم روابط آن آیه با سایر آیات سوره و در سطح بعدی، در پرتو فهم روابط آن سوره با سایر سوره‌های قرآن کریم انجام می‌شود (ر. ک. لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۱). بر این

۱. اول و وسط و آخر ما محمد است؛ یعنی ما همه محمدیم.

اساس، در این پژوهش در سطح اول به سوره مبارکه قلم مراجعه شده و ضمن تدبر در آیه ۴ به مثابه آیه محوری، روابط آن با همه آیات سوره مدنظر قرار گرفته و در سطح دوم به تدبر در جایگاه سوره قلم در قرآن کریم، پرداخته شده است.

در نگاه ابتدایی به این سؤال، می‌توان گفت که واقعیت اخلاقی آینده، بر اساس عملکرد مجموعه‌ای از گروه‌های کار فرازمانی ساخته خواهد شد. فهم این مدعا، در پرتو ایمان به آیات قرآن کریم امکان‌پذیر است؛ زیرا قرآن کریم آینده را از آن صالحان می‌داند (ر. ک. انبیاء، ۱۰۵)؛ کسانی که متدین به دین مرضی الهی‌اند (ر. ک. نور، ۵۵)؛ و به این مهم ایمان دارند که این وعده، امر الهی است و امر الهی، قطعاً محقق خواهد شد (ر. ک. بقره، ۱۱۷).

چارچوب خام و اولیه پژوهش

در بحث از مقوله گروه‌های کار فرازمانی، ناگزیر باید به مباحث مربوط به تیم‌سازی و توسعه فعالیت‌های تیمی مراجعه کرد. در اینجا به لحاظ رعایت اختصار، از بیان مباحث متداول اجتناب کرده، بر دو مفهوم گروه‌های کار فرازمانی و واقعیت اخلاقی آینده تمرکز می‌شود.

الف. گروه‌های کار فرازمانی: اگر انواع گروه‌های رسمی و غیررسمی، از حیث زمان همکاری مقایسه شوند، می‌توان آنها را در چهار حالت بدین شرح تصور کرد: گروه‌های کار رسمی فعال در یک برهه از زمان. ساده‌ترین تصور از یک گروه، تصور گروه‌های کار رسمی و معینی است که در یک برهه از زمان شکل می‌گیرند؛ زیرا در این حالت، مقررات کاری به طور روشن بیان می‌شوند و طرق پیوستن به گروه و گسستن از آن معین می‌گردد. این گروه‌ها معمولاً تحت نظر یک سرپرست یا مدیر رسمی کار می‌کنند (نظیر اعضای یک تیم ورزشی رسمی ملی).

گروه‌های کار غیررسمی فعال در یک برهه از زمان. اهداف گروه‌های غیررسمی، معمولاً با اهداف گروه‌های رسمی تفاوت دارند؛ هرچند ممکن است فعالیت این گروه‌ها نیز به تحقق اهداف رسمی کمک کند. به هر حال، گروه‌های غیررسمی نیز معمولاً با اهدافی معین و برای فعالیت در یک برهه از زمان شکل می‌گیرند. در این نوع گروه‌ها، به تدریج مقررات نانوشته‌ای بر شیوه‌های رهبری و عضویت حاکم می‌گردند؛ ضمن اینکه به طور مستمر، افرادی به این گروه‌ها می‌پیوندند و افرادی نیز از آنها جدا می‌شوند (نظیر اعضای یک تیم ورزشی در مدرسه یا محله).

گروه‌های کار رسمی فرازمانی. در این شکل از فعالیت، سازمان‌هایی برای دوره‌های زمانی طولانی بیش از یک دوره کاری طراحی و سازمان‌دهی می‌شوند. این سازمان‌ها، مقرراتی را برای شروع فعالیت خود می‌نویسند و به مرور زمان، آنها را توسعه می‌دهند و با نیازهای خود منطبق می‌سازند (نظیر اعضای هیأت دولت).

گروه‌های کار غیررسمی فرازمانی. در این حالت، سازمان فعالیت گروه، غیررسمی است و افراد با انگیزه‌های خاص برای تحقق اهدافی که نیل به آنها در دوره حیات یک نسل ممکن نیست و هیچ سازمان رسمی‌ای نیز از تحقق آنها حمایت نمی‌کند، گردهم می‌آیند. در این حالت نیز مانند حالت دوم، احتمالاً افراد با اهدافی متفاوت دور هم جمع می‌شوند، ولی بر خلاف آن، همه افراد در یک نسل زندگی نمی‌کنند و گروه، صرفاً یک رهبر در قید حیات ندارد، بلکه رهبری آن در گذر نسل‌ها و عصرها، و گاهی در افق یک چشم‌انداز طولانی، نافذ می‌گردد و گروه مذکور، توسط افراد متعدد هدایت می‌شود. در مجموع، به نظر می‌رسد که استمرار فعالیت در قالب گروه‌های فرازمانی، فراعصری یا فرانسلی، بر اساس عهدی است که گویا به طور ضمنی و نانوشته، از پیش معین شده است. در این امتداد، می‌توان از استعاره دوی امدادی^۲ استفاده کرد. در دوی امدادی، هر یک از اعضای یک گروه ورزشی، در طول یک مسیر معین، بخشی از راه مسابقه را طی می‌کنند و نمادی معین را به فرد دیگر هم‌گروه خود می‌سپارد؛ به طوری که حاصل این تلاش‌ها، در موفقیت مجموعه «گروه دوندگان» نمایان می‌گردد. در این فراگرد، هرچند که هر یک از این افراد، به تنهایی تلاش می‌کند و هنگام تلاش هر یک، از دیگری هیچ کاری جز تشویق و دعا بر نمی‌آید، ولی حاصل کار هر دونه، برای همه دوندگان مهم و ثمربخش است (ر. ک. پورعزت، ۱۳۹۱: ۳۰-۳۲).

ب. واقعیت اخلاقی آینده: وقایع اجتماعی، در نگاهی پدیدارشناسانه حاصل مراودات روزمره افرادند. وقایع اخلاقی نیز در هنگام قضاوت‌ها و تحلیل‌ها، در ساحت «زبان» منعکس می‌شوند؛ به طوری که هم در آن رسوخ می‌کنند و هم از آن اثر می‌پذیرند. بنابراین، واقعیت‌های اخلاقی حاصل مراودات روزمره و نحوه انعکاس آنها در ضمیر افراد و فرهنگ جامعه‌اند. اینکه چرا یک جامعه رفتاری را اخلاقی می‌داند و جامعه دیگر غیراخلاقی، به زیرساخت‌های ادبی و فرهنگی و قضاوت‌های ارزشی آن جامعه بر می‌گردد که به شدت تحت تأثیر باورها و اعتقادات و مفروضات دینی و مذهبی قرار دارد. به هر حال، واقعیت اخلاقی آینده، محصول مراودات اجتماعی حال و نحوه انعکاس آنها در ساحت زبان و نحوه تأثیر آن بر فرهنگ و زبان آینده است.

بازتاب بعثت و چهارده معصوم علیهم‌السلام بر شکل‌دهی آینده

شاید واضح‌ترین پیام رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در وصف هدف از بعثت خود، در همان روایت معروف بیان شده است:

إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶: ۲۱۰).

۲. این استعاره حاصل استفاده از محضر دکتر محمدسعید تسلیمی در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ است.

۳. همانا من مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را به کمال برسانم.

البته گویا مقصود از به کمال رساندن مکارم اخلاق، در اقدامی جمعی مدنظر است؛ زیرا در حالت فردی، همه اهل بیت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به شهادت آیه تطهیر (ر. ک. قرآن کریم، احزاب، ۳۳) و آیه امامت (ر. ک. قرآن کریم، بقره، ۱۲۴)، در وجه کمال ظاهر می‌شوند و در مقام عصمت به امامت نایل می‌آیند؛ بنابراین، اخلاق پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله همواره در وجه کمال وجود داشته و آنچه باید به کمال برسد، ظرفیت تکامل اخلاق در سطح کلان جامعه بشری است.

بنابراین، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌بایست آنچه را در ذات خویش آفریده شده بازیابی کند و در جامعه انسانی انتشار دهد تا جامعه انسانی در شأن امت، به جامعه‌ای اخلاقی و شایسته امامت او تبدیل گردد. این مطلب، در آنچه از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله پس از نزول آیه ۱۱۲ از سوره هود روایت شده است، به وضوح مشاهده می‌شود؛ آنجا که فرمود:

شَیْبَتْنِي هُوْدٌ...^۴ (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۷۰).

این روایت از نگرانی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از تکرار سرنوشت قوم هود برای امت اسلام و جامعه بشری دلالت دارد؛ جامعه‌ای که از عهد آدم تا خاتم، میانگین تلاش‌هایش مردود بوده است و در طول تاریخ، از دوران آدم و حوا تا روزگار حاضر، جهانی را توسعه داده که همواره بخش عمده‌ای از آن، تحت ظلم و ستم غاصبان و ظالمان و ستمگران بوده و کمتر عهد و دوره‌ای از تاریخ بشر را می‌توان به اخلاق و نیک‌رفتاری مستمر، نشان‌دار کرد و متمایز ساخت.

بدین ترتیب، ظاهر امر واقع، این است که هنوز اراده خداوند متعال از بعثت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، تحقق عینی نیافته است؛ در حالی که، امر خداوند قطعاً تحقق یافته است:

وَ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ، كُنْ فَيَكُونُ (بقره، ۱۱۷).

بنابراین، تکامل مکارم اخلاقی، امر محتوم عالم است که در سیر تکامل هستی، نهایتاً حاصل خواهد شد. ولی تحقق این مهم، به لوازم و مقدماتی نیاز دارد؛ گویا سلسله معصومان، رسالت تأمین این لوازم و مقدمات را بر عهده دارند و برای رفع موانع گوناگون در مسیر این تکامل، در نسل‌های متوالی همکاری می‌کنند!

بدین ترتیب، چهارده معصوم علیهم‌السلام به‌سان سلسله‌ای از حلقه‌های پیوسته، در مقام و منزلت هدایتگری جلوه کرده‌اند تا در دوره‌های زمانی گوناگون، نقش مهم خود را ایفا کنند. منتهی تجلی این هدایت‌گری در شکل‌دهی به امت اخلاقی، به مراتب پذیرش آحاد جامعه بستگی دارد.

بازخوانی اخلاق پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در قاموس سوره قلم

۴. یعنی سوره هود مرا پیر کرد (توجه شود که در این سوره، خداوند متعال پیامبر و پیروانش را به استقامت و پرهیز از نافرمانی امر فرموده است).

خداوند در این سوره، در پی تهمت‌های ناروای مشرکین به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که به ایشان افترای جنون می‌زدند، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را تسلی داده، به وعده زیبای پاسداری از اخلاق نیکویش، امیدوار می‌سازد و او را از تمایل به مشرکین و نرمی با آنان نهی نموده و امر به صبر در برابر حکم پروردگارش می‌کند.^۵

جایگاه حکمت‌آمیز سوره قلم، بسیار تأمل برانگیز است! در ترتیب آسمانی قرآن کریم، سوره قلم شصت و هشتمین سوره است که پس از سوره ملک و پیش از سوره حاقه واقع شده است. پس از آنکه در سوره ملک، جلوه‌های گوناگون قدرت الهی در آفرینش معرفی می‌شود و در مقابل، بر ضعف و خواری دیگران تأکید می‌گردد؛ سوره قلم آغاز می‌شود. در آخرین آیه از سوره ملک، در امتداد پاسخ‌های کوبنده خداوند متعال به «استفهام انکاری برخی از انسان‌ها» در نفی وعده الهی (که به امر او بر زبان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله جاری شده و به گوش جهانیان می‌رسد)، می‌فرماید که به آنها بگو، اگر خداوند آب آشامیدنی شما را به‌گونه‌ای در اعماق زمین فرو برد که دستان شما به آن نرسد، چه کسی می‌تواند برای رفع تشنگی شما، آب گوارا فراهم آورد (ملک، ۳۰ - ۲۶)؟! این آیه، حلقه اتصال سوره ملک به سوره قلم بوده، و سوره قلم با قسم خداوند بر قلم و آنچه می‌نگارند، آغاز می‌شود. (قلم، ۱).

ضمن اینکه سوره قلم، با تأکید بر رسالت جهانی قرآن به پایان می‌رسد (قلم، ۵۲) و این پایان، حلقه وصلی به سوره حاقه است؛ حاقه، پدیده‌ای سهمگین است که حتی باهوش‌ترین انسان از درک آن، ناتوان است. (حاقه، ۳)! خداوند متعال در بیان این پدیده سهمگین، به نابودی نمود و هلاکت سخت و دردناک عاد اشاره می‌فرماید. (حاقه، ۷ - ۴) و اندیشه بشر را در برابر این پرسش به سکوت وا می‌دارد: «آیا کسی از آنها، از این عذاب در امان ماند» (حاقه، ۸)؟ در این امتداد، خداوند متعال یادآور اشتباهات و سرکشی‌های فرعون و مؤتفکات و سرنوشت دهشتناک آنها می‌شود و در ادامه، هدف از ماجرای کشتی نوح علیه‌السلام و نجات مؤمنان را پندگیری و عبرت‌آموزی خردمندان دانسته (حاقه، ۱۲ - ۹)، پس از توصیف قیامت و حسابرسی، در آیات انتهایی این سوره، به موضوع قرآن باز می‌گردد و نزاهت و مصونیت قرآن از تحریف را تضمین می‌کند و در نهایت، این سوره با امر به تسبیح پروردگار به پایان می‌رسد (حاقه، ۵۲ - ۱۳).

پس از بیان قاطع و مستحکم سوره ملک، سازه‌های زبانی سوره‌های قلم و حاقه در بیان محکمت سوره ملک، با لحن مشابه مطرح می‌شوند! برای مثال، در آیه ۱۰ از سوره ملک، چنین می‌فرماید: «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» و این بیان در آیات ۱۰ تا ۱۵ سوره قلم چنین بسط می‌یابد: «وَلَا تَطْعَمُ كُلُّ حَلَّافٍ مَهِينٍ. هَمَّازٍ مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ.

۵. همه آیات این سوره، از سیاق آیات مکی برخوردارند؛ اگرچه از ابن عباس و قتاده چنین نقل شده است که اوایل این سوره تا آیه ۱۶ در مکه نازل شده و ۱۷ آیه پس از آن تا آیه ۳۳ در مدینه نازل شده و ۱۴ آیه پس از آن تا آیه ۴۷ در مکه و ۵ آیه انتهایی سوره، در مدینه نازل شده‌اند. با این وجود، این نقل درباره آیات ۳۳ - ۱۷ قابل تأمل است؛ زیرا این ۱۷ آیه، به آیات مدنی شبیه‌تر از آیات مکی هستند (المیزان، ۱۴۱۷، ج ۱۹: ۳۶۷).

مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أُنِيمَ. عُنْتَلَّ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمَ. أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَ بَنِينَ. إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ.»؛ و در آیه ۲۸ از سوره ملک می‌فرماید: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِي اللَّهُ وَ مَنْ مَعِيَ فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ» و این بیان در آیات ۴۴ تا ۵۲ از سوره حاقه، چنین بسط می‌یابد: «وَ لَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ. لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ. ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ. فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ. وَ إِنَّهُ لَتَنْذِرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ. وَ إِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُّكَذِّبِينَ. وَ إِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ. وَ إِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ. فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ.»

در پرتو روش تفسیر سوره‌شناختی آیات (ر. ک. لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۱)، با تدبر در آیه ۴ از سوره قلم که خداوند طی آن به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید «وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»، می‌توان درباره این آیه و ارتباط آن با سایر آیات سوره قلم تحقیق کرد.

تأکید قرآن کریم بر زیبایی اخلاق پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، چشمگیر و برجسته است. دیگر آنکه، نیکویی اخلاق پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، امری مستمر، آگاهانه، همراه با کنترل و اختیار بوده، ایشان هرگز از این رویه، عدول نمی‌کنند و این منش، تصادفی و اتفاقی نیست (قلم، ۴). خداوند متعال تأکید می‌فرماید که آثار این اخلاق نیکو در آینده بر همگان آشکار خواهد شد. یعنی در پاسخ به کسانی که در طول تاریخ، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را دچار اختلال روحی و روان‌پریشی دانسته‌اند، خداوند متعال تأکید می‌فرماید که بر همگان آشکار خواهد شد که آنها خود دچار اختلال روحی و روان‌پریشی‌اند (قلم، ۶ - ۵)! توجه شود که این مهم امر خداست، پس قطعی و حتمی است؛ زیرا از علم پروردگار متعال ساطع شده است (قلم، ۷).

در ادامه آیات، خداوند متعال همه مؤمنان را مورد خطاب قرار می‌دهد؛ پس همگان باید خود را مخاطب این خطاب بدانند؛ هر چند که به لحاظ پیشوایی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بر مؤمنان، در زبان قرآن، خطاب‌ها از ایشان آغاز شده‌اند؛ ولی این خطاب‌ها به شخص پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله اختصاص نیافته‌اند! در این خطاب، چنین امر شده است: به تکذیب‌کنندگان، متمایل مشو! زیرا آنها از تو می‌خواهند که از خود سازش نشان دهی و تسلیم درخواست‌های خارج از منطق و دین ایشان شوی (قلم، ۹ - ۸)؛ در فرازهای گوناگون قرآن کریم، تأکید می‌شود که صفات زشت و پلشتی‌هایی که آدمی را از حریم «خلق عظیم» خارج می‌کنند، عبارتند از:

الف) تکذیب حق و مسامحه درباره آن؛

ب) سوگند خوردن زیاد و بی‌احترامی به خداوند با این کار (بقره، ۲۲۴)؛

ج) کوتاه‌فکری و پستی و دروغ‌گویی؛

د) عیب‌جویی و طعنه‌زنی؛

ه) دو به هم‌زنی و سخن‌چینی؛

و) منع خیر از دیگران؛

ز) تجاوز و گناه؛

ح) درشتی و خشونت در گفتار؛
ط) خساست و بخل؛

ی) بی اصل و اساس، خود را به گروهی منتسب کردن؛

ک) خودبرتربینی به واسطه مال یا فرزند و عشیره؛

ل) اسطوره دانستن آیات پروردگار (قلم، ۱۵ - ۱۰).

در حالی که از ویژگی‌های بارز اخلاق نیکو، بندگی پروردگار و پرهیز از خودبینی در برابر اوست. در این امتداد، تأکید می‌شود که عذاب آخرت بسیار سخت‌تر از عذاب دنیا است! این هشدار صریح است به کسانی که از کمک به دیگران دریغ می‌نمایند و فقط به منافع خود می‌اندیشند، اسیر نفس خویشتن شده، با ابتلا به حرص و تکبر و فراموش کردن وظیفه اجتماعی در قبال اقشار ضعیف جامعه، از دایره «خلق عظیم» خارج می‌شوند (قلم، ۳۳ - ۵).

«خلق عظیم»، نعمت پروردگار متعال برای پیامبر بوده، اجری مستمر برای او است. عظمت و شکوه این زیبایی اخلاقی، به اندازه هر چیزی است که قلم مورد سوگند خداوند می‌نگارد (قلم، ۵ - ۱). از سویی، کلمات الله پایان‌ناپذیرند (لقمان، ۲۷) و در این امتداد، استدلال می‌شود که شکوه این زیبایی، پایان‌ناپذیر است! بنابراین، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، عالی‌ترین درجه زیبایی اخلاقی را در واقعیت هستی نمایان می‌سازد و بنیان واقعیتی نامیرا و پایدار را برای شکل‌دهی به جامعه‌ای اخلاقی بنا می‌نهد. در واقع، همان‌طور که آفرینش و برانگیختن همه انسان‌ها، مانند آفرینش و برانگیختن یک انسان، از منشأ آفرینش یک نفر بوده است (لقمان، ۲۹ - ۲۸)، اسوگی اخلاقی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، حقیقتی ناب است که خلق و خواهی‌مرد را زنده می‌کند و اسماء حسناى «علی» و «کبیر» را متجلی می‌سازد. در حالی که، سازه‌های اخلاقی بشرساخته و متکی به تأیید آدمیان، در برابر بنای ناب و خالص اخلاقی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله که مؤید به تأیید الهی است، غیر قابل اعتماد و از بین رفتنی‌اند (لقمان، ۳۰؛ اسراء، ۸۱)؛ این حقیقت ناب، در یک حدیث نورانی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین تجلی یافته است:

أَدْبَتِي رَبِّي فَأَحْسِنَ تَأْدِيبِي^۶ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶: ۲۱۰)؛ یعنی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، سیر تأدیب و تکاملی ویژه‌ای را بیش از سطح رایج در جامعه بشری، برای خود می‌طلبد. او طالب تکامل مستمر ادب و اخلاق در پیشگاه خداوند است و مترصد کسب رضایت اوست. تکاملی که در سیر عادی جهان و روزگار حاصل نمی‌شود و گویا اذن پروردگار را می‌طلبد و این چنین است که به شأن «معجزه اخلاقی» نایل می‌گردد.

بر اساس این درخواست ادب آموزی، از نگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، انسان ارزشی دارد، برتر از آنچه مردم زمان ایشان می‌فهمیدند یا می‌دانستند؛ بر این اساس، او ندا می‌دهد که حيله و نیرنگ به کار نبرید. مردم را به زنجیر نکشید. کودکان و زنان و پیرمردان و

۶. پروردگار مرا به زیبایی ادب آموخت.

صومعه‌نشینان گوشه‌گیر را از پای در نیاورید. درختان خرما را آتش نزنید و هرگز گیاه و درختی را قطع نکنید و هیچ خانه و بنایی را ویران نسازید (جرداق، ۱۳۹۱: ۷۸ و ۸۱)؛ گویا حال و هوای اخلاقی جامعه زمان او، چنان ننگین و شرم آور بوده است که ایشان را به چنین بیاناتی برانگیخته است!

با نگاهی اجمالی به سوره ملک، پروردگار ادب‌آموز پیامبر، وجود برکت‌آفرینی است که:

(الف) آفرینش به دست اوست؛

(ب) بر هر چیز قدرت دارد؛

(ج) آفریننده مرگ و زندگی است؛

(د) آزمایشنده انسان است؛

(ه) عزیز غفور است؛

(و) آفریننده هفت آسمان، به صورت طبقه طبقه است؛

(ز) رحمان است؛

(ح) در آفرینش او کاستی و خلل وجود ندارد؛

(ط) زینت‌بخش آسمان دنیا به ستارگان است؛

(ی) عذاب‌کننده شیاطین است؛

(ک) پاداش‌دهنده مؤمنان است؛

(ل) داننده و آگاه به نیات درونی است؛

(م) لطیف خبیر است؛

(ن) رام‌کننده زمین برای انسان است؛

(س) بازگشت همگان به سوی اوست؛

(ع) هدایتگر پرندگان آسمان است؛

(ف) آگاه بر همه چیز است؛

(ض) پدیدآورنده انسان و آفریدگار شنوایی و بینایی و ادراک برای اوست؛

(ق) هموست که زندگی انسان را بر روی زمین قرار داد و انسان به سوی او باز می‌گردد؛

(ر) عالم بر همه چیز است؛

(ش) رحمن است؛

(ت) کسی است که همه آفرینش به فرمان اوست.

چنین خداوندی است که هدف خلقت خویش را به وجود پیامبر و برانگیختن او برای جلوه

دادن جامعه اخلاقی مرتبط ساخته است!

اسوه حسنه بودن پیامبر

سنت ادب آموزی الهی و رحمانی، پس از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در میان اهل بیت

علیهم‌السلام ادامه یافت و از طریق ایشان به سطح جامعه تسری داده شد. پیامبر اکرم

صلی‌الله‌علیه‌وآله در خطابه روز غدیر چنین فرموده‌اند:

“مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ وَ كُلُّ عِلْمٍ عَلِمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا عَلِمْتُهُ عَلَيًّا وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! لَا تَضَلُّوا عَنْهُ وَ لَا تَنْفَرُوا مِنْهُ وَ لَا تَسْتَكْبِرُوا [وَ لَا تَسْتَنْكِفُوا] مِنْ وَكَايَتِهِ؛ فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَ يَعْمَلُ بِهِ وَ يُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَ يَنْهَى عَنْهُ وَ لَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ”^۷ (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۶۰).

در نتیجه این تعلیم، امام علیعلیه السلام پس از پاسخی زیبا به پرسش دشوار یکی از بزرگان مسیحی، در واکنش به این سؤال او که “آیا تو پیامبری؟” می‌فرماید: “إِنَّمَا أَنَا عَبْدٌ مِنْ عِبْدِ رَسُولِ اللَّهِ”^۸.

پیامبر اسوه حسنه بود و این اسوگی، پس از ایشان به امام علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام و، امام حسین علیه السلام^۹ و در همین امتداد به سایر ائمه معصومین علیهم السلام منتقل شد. گویا چهارده معصوم علیهم السلام منش رفتاری خویش را بر اسوگی بنا نهاده بودند. بر این اساس، کلام زیبای امام صادق علیه السلام که فرمودند “أَوْلْنَا مُحَمَّدًا أَوْسَطْنَا مُحَمَّدًا آخِرْنَا مُحَمَّدًا” (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۵: ۳۶۳)، رهنمون به این اندیشه است که آفرینش و سیره رفتاری اهل بیت علیهم السلام در اصل، هیچ تفاوتی با یکدیگر نداشته است؛ اگرچه، گاه اقتضائات زمان در ظاهر رفتار ایشان، تفاوت‌هایی را ایجاد کرده باشد!

رهنمودهای قرآن بر تشکیل گروه‌های فرازمانی

یکی از عوامل مهم و مؤثر بر ادامه سنت اسوه حسنه یا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که همگان موظف به آنند (ر. ک. قرآن کریم، احزاب، ۲۱)، پای‌بندی به عهد الهی پیامبر با امت خویش است؛ این عهد در روز غدیر، با تأکید بر منزلت قرآن و عترت و جدایی‌ناپذیری این دو از یکدیگر، در هیأت سنتی آشکار، متجلی شد. او در روز غدیر، خداوند را شاهد گرفت که رسالتش را به کمال و نهایت رسانده است؛ ادامه سلسله امامت را تا امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، نشان داد؛ بر امامت همه امامان از حاضران بیعت گرفت؛ به حاضران امر فرمود که به غائبان و فرزندان ایشان، اخبار این واقعه را برسانند و به همگان فرمود که راه شناخت امامان، رجوع به قرآن و آیات آن است (ر. ک. خطابه غدیر، ۱۳۸۴). بر این اساس، قرآن میثاق فرازمانی و فرامکانی امت پیامبر است. نکته قابل تأمل آن است که رسالت قرآن، تبدیل کردن انسان پذیرا و مؤمن، به یک پیامبر است! همان‌طور که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین روایت شده است:

۷. ای مردم! خداوند همه علوم را به من آموخت و من همه علوم را به امام متقین، علی، آموختم. او امام مبین است. ای مردم! علی را تنها مگذارید و از او دور مشوید و از ولایت او سرپیچی نکنید و در برابر او تکبر نورزید! او کسی است که به حق هدایت می‌کند و بر مبنای آن، عمل می‌کند و باطل را از میان بر می‌دارد و از آن نپهی می‌کند و در راه خداوند، از سرزنش نکوهش‌گران بی‌مناک نمی‌شود (ر. ک. ترجمه ، ،).

۸. من فقط بنده‌ای از بندگان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستم.

۹. حدیث زیبای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمودند: حسن و حسین هر دو امامند؛ خواه قیام کنند و خواه بنشینند

(ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۱۱) نیز تبیین‌گر همین امر است.

مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فَكَأَنَّمَا أُدْرِجَتِ النَّبُوءُ بَيْنَ جَنْبَيْهِ وَ لَكِنَّهُ لَا يُوحَىٰ إِلَيْهِ ۱۰ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۶۰۴).

بر این اساس، نبوت میثاق راستین بین پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و همه مؤمنان و حقیقت‌جویانی است که آمادگی پیوستن به این گروه فرازمانی را دارند. یعنی، همه کسانی که در مقام بیدارسازی مردم به پای می‌خیزند، به رسالت نبی اکرم اقتدا کرده‌اند؛ رسالتی که نهایت آن، به کمال بردن مکارم اخلاق است.

نتیجه‌گیری

خداوند جهان را آفرید، بی‌آنکه نیازی بدان داشته باشد و آفرینش آن را به کمال رساند، بی‌آنکه کسی را به مدد طلبیده باشد؛ او تنها و مقتدر و شکست‌ناپذیر است که هرآنچه را اراده کند، بی‌درنگ تحقق می‌یابد.

اینک او چنین اراده کرده که پیامبری را به کمال بیافریند تا رسالت او، کمال همه آدمیان باشد.

بنابراین، خلقت پیامبر و به ویژه بعثت او، تجلی عظمت اراده‌ای است که می‌خواهد جهان را به کمال اخلاق رهنمون گردد. پس رسالت عظیم پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، بیدارسازی امتی است که از زمان رسالت او تا قیامت جهان، متولد می‌شوند، زندگی می‌کنند و می‌میرند.

این رسالت، با رحلت پیامبر پایان نیافت، بلکه در امتداد فعالیت گروه کار فرازمانی چهارده معصوم و پیروان صدیق ایشان، به جلوه‌گری در تمدن‌سازی ادامه داد و ادامه می‌دهد؛ فعالیت گروهی، مشتمل بر پاکیزه‌ترین مخلوقات خداوند متعال که یکی پس از دیگری، چون ستاره‌ای دنباله‌دار ظهور کرده، امانت به دیگری سپرده، راه آینده را هموار ساخته و در امتداد گذشتگان و همراه با آیندگان، جلوه‌گری می‌کند. گویا این ستارگان را مرگی نیست و رسالت آنان را پایانی نیست!

البته واضح است که در هر زمان، درخشش عینی امام حاضر، در معنی‌بخشی به اوامر ائمه پیشین و هدایت به اوامر امامان بعدی، جلوه‌ای متمایز دارد، ولی در قلب امام حاضر، همواره انوار گذشته و پیش روی سایر معصومان جلوه‌گری داشته، راه طولانی پیش روی او را در ورای نسل‌ها و عصرها هموار می‌سازد. تا آنکه به همت سلسله انبیاء و اوصیاء و اولیاء و عامه مؤمنان، در پرتو بشارت آیات شریفه ۵۵ سوره نور و ۱۰۵ سوره انبیاء، حکومت صالحان را پدید آورد و «کمال مکارم اخلاق» را در ساحتی جهانی و فرازمانی و فرامکانی، تحقق بخشید. این‌چنین است که به همت این گروه پاک سیرت فرازمانی، جهان آینده آراسته به مکارم اخلاقی خواهد شد. ان شاء الله

۱۰. هرکس قرآن را [پس از تعلیم] ختم کند، گویی نبوت در ضمیر او جای گرفته است؛ با این تفاوت که به او وحی نشده است.

کتابنامه

۱. قرآن کریم. انتشارات مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران. قرآن کریم، انتشارات اسوه.
۲. ابن بابویه، محمد. (۱۳۸۵). **علل الشرایع**. قم. کتابفروشی داوری.
۳. پورعزت، علی اصغر. (۱۳۹۱). تأملی بر نقش گروه‌های کار فرازمانی در توسعه دانش از طریق تدوین دانشنامه‌ها و شرح‌نویسی بر کتاب‌های علمی و دانشگاهی. **پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی**، شماره ۲۵، تابستان، صص ۲۷ - ۴۳.
۴. جرداق، جرج. (۱۳۹۱). **امام علی علیه‌السلام صدای عدالت انسانی**. ترجمه سید هادی خسروشاهی. قم. بوستان کتاب.
۵. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷). **المیزان**. قم. دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. طباطبایی‌نسب، سید محمدرضا. (۱۳۸۴). **بر آستان غدیر**. قم. مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی نور الاثمه.
۷. طبرسی، فضل. (۱۳۷۷). **جوامع الجامع**. تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
۸. طبرسی، احمد. (۱۴۰۳). **الاحتجاج علی اهل اللجاج**. مشهد. نشر مرتضی.
۹. کلینی، محمد. (۱۴۰۷). **الکافی**. تهران. دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. لسانی فشارکی، محمدعلی و حسین مرادی زنجانی. (۱۳۹۱). **روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم**. قم. بوستان کتاب.
۱۱. لسانی فشارکی، محمدعلی و حسین مرادی زنجانی. (۱۳۹۲). **درآمدی بر مطالعات قرآنی در سیره نبوی**. قم. انتشارات نصایح.
۱۲. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). **بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار**. بیروت. دار احیاء التراث العربی.